

دولت بزرگ اسلامی؛ امکان یا امتناع؟ با تأکید بر دیدگاه امام خمینی (ره)

تاریخ دریافت: 85/7/23 تاریخ تأیید: 85/10/16 رضا عیسی‌نیا*

مش
الات
دولت بزرگ اسلامی؛ امکان
امتناع؟

پرسش اصلی مقاله حاضر این است که: آیا کشورهای اسلامی قادرند به عنوان موجودیت اسلامی واحد تحت عنوان دولت بزرگ اسلامی خود را مطرح کنند؟ فرضیه‌ای که به روش توصیفی - تحلیلی در پاسخ سؤال مذکور آورده‌ایم به این شرح است: برای ایجاد دولت بزرگ اسلامی، در عین حفظ استقلال کشورهای اسلامی و به رسمیت شناختن واحدهای کشور - ملت، نیازمند دگردیسی عظیم و مطلق در فضای معنایی و شناختی کشورهای اسلامی هستیم.

واژه‌های کلیدی: دولت بزرگ اسلامی، جهان اسلام، مسائل کشورهای اسلامی، همگرایی جهان اسلام، واگرایی جهان اسلام.

مقدمه

جهان اسلام از دو کلمه جهان و اسلام ترکیب شده است. در تفسیر این مفهوم سه نظر وجود دارد:

1. جهان اسلام؛ یعنی کشورهای اسلامی که دولت آن اسلامی و دین رسمی آن اسلام باشد همانند،



- ایران و کویت و... .
2. جهان اسلام؛ یعنی کشورهایی که اکثریت مردم آن مسلمان باشند. این گروه از کشورها را می‌توان به صورت زیر تقسیم‌بندی کرد: الف) کشورهای مسلمان‌نشینی که حکومت آنها را گاه غیرمسلمانان در اختیار دارند نظیر، کشور نیجریه؛ ب) کشورهای مسلمان‌نشینی که دین رسمی ندارند نظیر، ترکیه.¹
3. جهان اسلام؛ یعنی کشورهایی که در آن مسلمانان زیست می‌کنند چه در اکثریت باشند و چه در اقلیت.
- مراد نویسنده از جهان اسلام در این تحقیق، کشورهایی هستند که اکثریت مردم آن مسلمان باشند؛ کشورهایی که قادرند به عنوان یک موجودیت اسلامی واحد تحت عنوان دولت بزرگ اسلامی (جهان اسلام) عمل کنند.
- قبل از پرداختن به مباحث اصلی مقاله بهتر است به مجموعه سؤالاتی که در حوزه جهان اسلام در ارتباط با این بحث مطرح می‌باشد و یا قابلیت طرح مسئله را دارد اشاره‌ای شود.
1. آیا چیزی به عنوان جهان اسلام یا انترناسیونال اسلامی داریم یا می‌توانیم داشته باشیم یا خیر؟
2. ظرفیت و ماهیت کشورهای اسلامی چه نوع ائتلاف و ترکیبی را تحت عنوان جهان اسلام می‌پذیرد و با کدام منطق؟
3. جهان اسلام در برابر چه کسی ظهور و تجلی می‌یابد و به عبارتی دیگر جهان اسلام چیست و کیست؟
4. جهان اسلام یا کشورهای اسلامی چه ضرورتی را احساس می‌کنند که در دنیای معاصر به سوی وحدت و ایدئولوژی یکسان حرکت می‌کنند؟
5. جهان اسلام در چه مؤلفه‌هایی قابلیت یکی شدن را دارد؟
6. موانع هم‌گرایی و یکسان‌سازی کشورهای

اسلامی تحت عنوان جهان اسلام (دولت بزرگ اسلامی) چیست؟

با نظر به این سؤالات می‌توان گفت هر گونه بحثی در باب جهان اسلام و آرایش کشورهای اسلامی باید معطوف به تأمین نیازهای زیر باشد:

1. تفسیر وضع موجود و شناخت نیروهای جهان اسلام؛
2. راه حل‌ها یا مناسبترین تاکتیک و استراتژی جهت تغییر واقعیت‌ها و رسیدن به جهانی به نام جهان اسلام.

کشورهای اسلامی

کشورهای اسلامی در حال حاضر از میان 192 کشور جهان، 57 کشور را به خود اختصاص داده‌اند: 1. قاره اروپا: قبل از تجزیه یوگسلاوی تنها کشور مسلمان اروپایی کشور آلبانی بود.² بیش از 70% از جمعیت آن مسلمانان هستند. و به سبب برخورداری از موقعیت جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی ویژه، مورد توجه قدرت‌های گوناگون استعماری و کشورهای بزرگ بوده است.³ بعد از یوگسلاوی، کشور بوسنی هرزگوین با 4/5 میلیون نفر سکنه و با 44 درصد مسلمان دومین کشور مسلمان اروپایی به شمار می‌آید.⁴ از میان 39 کشور آسیایی 21 کشور آن جزء کشورهای اسلامی محسوب می‌شوند.⁵ وسیع‌ترین و پرجمعیت‌ترین کشور اسلامی آسیایی، اندونزی با 222 میلیون نفر و با مساحت 2/042/024 کیلومتر مربع،⁶ و کوچک‌ترین آن، مالدیو با مساحت 289 کیلومتر مربع است. مساحت کل کشورهای اسلامی در قاره آسیا 10/163/965 کیلومتر مربع می‌باشد⁷ که با محاسبه کشورهای تازه به استقلال رسیده آسیای مرکزی به 14/231/960 کیلومتر مربع می‌رسد.⁸

از میان 58 کشور آفریقایی 20 کشور، اسلامی 95

هستند.

از 20 کشور اسلامی قاره آفریقا غیر از مصر که در 1922 به استقلال رسیده است 19 کشور دیگر آن در دهه‌های 1950 و 1960 به استقلال رسیده‌اند و کل مساحت 20 کشور آفریقایی 15/678/191 کیلومتر مربع می‌باشد که کم وسعت-ترین آن کومور با 1/797 کیلومتر مربع و وسیع-ترین آن سودان با 2/505/812 کیلومتر مربع می‌باشد.⁹

توانایی‌های کشورهای اسلامی

کشورهای جهان اسلام در عین توانایی معنوی بر مبنای واحد - اسلام - دارای تنوع ساختی هستند. این کشورها از نظر وسعت، جمعیت، منابع زیرزمینی و... تفاوت‌های زیادی با هم دارند و از طرفی هم از نظر فرهنگها، زبانها، مذاهب، نژادها و تمدن‌ها نیز ناهمگون و نامتجانس می‌باشند، این تنوعات ساختی در نفس الامر باعث ضعف و ناتوانی کشورهای اسلامی (جهان اسلام) نمی‌گردد. در ادامه به توانایی مادی کشورهای اسلامی آن هم فقط توانایی‌های استراتژیکی آنها می‌پردازیم.

توانایی یا منابع قدرت کشورها در سطح توانایی استراتژیکی معمولاً با سه مؤلفه زیر بررسی می‌گردد: 1. جغرافیای کشور؛ 2. جمعیت و مساحت؛ 3. منابع طبیعی.

1. جغرافیای کشور: برخی از اساتید علوم سیاسی معتقدند با اینکه حدود شصت سال از مطالعات روابط بین الملل می‌گذرد باز هم متغیر هدایت-کننده سیاست خارجی کشورها، جغرافیای آنها به شمار می‌رود که در علم سیاست تحت عنوان ژئوپلتیک می‌شناسیم. بنابراین از میان 192 کشور جهان، سیاست خارجی 40 کشور مهم است، چرا که جغرافیا دارند. با فرض این مؤلفه می‌توان گفت که برخی از کشورهای اسلامی جزء آن



دسته از کشورهای هستند که از حیث جغرافیایی مهم می‌باشند. مثلاً ایران از نظر ژئوپلتیکی جزء ده کشور اول دنیا می‌باشد. در باب برتری‌های استراتژیکی کشورهای اسلامی (جهان اسلام) می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: 1. راه داشتن به دریاهای آزاد؛ کشورهای مانند، ایران، عراق، کویت، امارات و عمان در ساحل خلیج فارس و کشورهای مصر، سودان، اریتره، جیبوتی، یمن، عربستان سعودی و اردن در ساحل دریای سرخ قرار دارند. 2. در کنار اقیانوس اطلس قرار داشتن؛ محیطی که 52 درصد از تجارت جهانی کشورهای غرب اروپا و آمریکا از آن می‌گذرد.¹⁰ 3. راه داشتن و دسترسی به برخی از تنگه‌های مهم جهانی؛ مثلاً باب المندب که شبه جزیره عربستان و اتیوپی را از هم جدا می‌کند و دریای سرخ را به خلیج عدن مربوط می‌کند. تنگه جبل‌الطارق که اسپانیا را از مراکش (مغرب) جدا، و دریای مدیترانه را به اقیانوس اطلس مربوط می‌کند و تنگه هرمز که ایران و عمان را از هم جدا و خلیج فارس و دریای عمان را به هم مرتبط می‌سازد و تنگه مالاکا را مالزی در اختیار دارد که معبر شرقی اقیانوس هند در شمال آن می‌باشد.

2. منابع طبیعی: کشورهای اسلامی به دلیل دارا بودن منابع و معادن غنی دارای اهمیت است.¹¹ به سبب وجود این منابع طبیعی غنی (نفت و معادن) است که به طور بالقوه می‌توان کشورهای اسلامی را قدرت‌مند معرفی کرد، ولی علی‌رغم این همه ثروت، کشورهای اسلامی ضعیف‌ترین کشورهای جهان قلمداد می‌گردند. به دلیل وجود این منابع غنی است که حضرت امام خمینی به کشورها و دولت‌های اسلامی هشدار می‌دهد که اگر به خود بیایند و متحد شوند بزرگ‌ترین قدرت جهان خواهند شد:

اگر این دولت‌های اسلامی، این دولت‌هایی



که همه چیز دارند، این دولتهایی که افراد زیاد دارند، این دولتهایی که ذخایر زیاد دارند، اگر اینها با هم اتحاد پیدا بکنند، در سایه اتحاد احتیاج به هیچ چیز و هیچ کشوری و هیچ قدرتی ندارند.¹²

کشورهای اسلامی در هر یک از سطوح سه‌گانه منابع معدنی؛ محصولات کشاورزی و محصولات دامی دارای جایگاه بسیار خوبی هستند که در جدول شماره یک به مهم‌ترین منابع معدنی، محصولات کشاورزی و محصولات دامی در برخی از کشورهای اسلامی آسیایی و آفریقایی اشاره می‌کنیم. برای نمونه از اهمیت ثروت و منابع طبیعی این کشورها می‌توان به یکی از کشورهای اسلامی آفریقایی استناد کرد، مثلاً جمهوری گینه دارای منابع معدنی ذی قیمت فراوانی است. این کشور به سبب برخورداری از منابع سرشار زیرزمینی، موقعیت بسیار مساعد کشاورزی را داراست و ترکیبی از بهترین دام‌ها را دارد و یکی از ثروتمندترین کشورهای آفریقایی است. اما این کشور اسلامی با داشتن ثروت‌های بالقوه، عقب افتاده‌ترین کشور جهان می‌باشد.¹³

جدول شماره یک (نمایش منابع برخی از کشورهای اسلامی)

ردیف	کشور اسلامی	مهم‌ترین منابع معدنی	مهم‌ترین محصولات کشاورزی	مهم‌ترین محصولات دامی
1	اردن	پتاس، قلیا، فسفات، نفت، سولفور، مس، آهن، سنگ مرمر	توتون، زیتون، مرکبات، خرما	گندم، پنبه
2	افغانستان	زغال سنگ، مس، سرب، روی، آهن، نقره، کرومیت	گندم، خشکاش، برنج، سیب-زمینی، توتون، پنبه	گوسفند
3	اندونزی	نفت، زغال سنگ، قلع، نیکل، منگنز، اورانیوم، مس	برنج، ذرت، زمین، نیشکر، کائوچو، قهوه، موز، نارگیل، ادویه، کائوچو، چوب	ماهی
4	امارات	نفت و گاز، مس	سبزیجات، خرما	_____
5	ایران	نفت، آهن، زغال	گندم، پنبه	اسب، گاو

		سنگ، مس، کروم، سرب، منگنز، نقره، طلا، گوگرد، فیروزه، خاک سرخ	توتون، خرما، برنج، ذرت، زیتون، چای، مرکبات، چغندر قند، نیشکر، زعفران	گاومیش، شتر، گوسفند
6	بحرین	نفت، خاک سرخ	خرما	_____
7	پاکستان	زغال سنگ، جیوه، کرومیت، گاز و نفت، منگنز	برنج، گندم، ذرت، جو، کنجد، مرکبات، موز، کنف، پنبه، چای و نیشکر	_____
8	ترکیه	زغال سنگ، نفت، مس، کروم، پتاس، آهن، نقره، گوگرد، منگنز	گندم، جو، ذرت، تره بار، مرکبات، زیتون، انجیر، انگور، توتون، صمغ، پنبه، چغندر قند، خشخاش، توت	بز، گوسفند، گاو، اسب و ماهی
9	سوریه	نفت	گندم، جو، میوه، مرکبات، انجیر، انگور، زیتون	اسب و گوسفند
10	کویت	نفت	خرما	_____
11	عراق	نفت، زغال سنگ، آهن، سرب، مس، نقره، گوگرد	گندم، برنج، ارزن، جو، ذرت، خرما، مرکبات، توتون، پنبه، چغندر قند	گاو، گوسفند و شتر
12	عربستان	نفت، طلا، نقره، آهن	خرما، غلات، سبزی	بز، شتر و اسب
13	قطر	نفت، گوگرد، نمک	خرما	اسب، شتر، ماهی
14	مالزی	نفت، قلع، سرب (قلع آن در دنیا اول است)	برنج، کائوچو، ادویه، چوب، نارگیل	گوسفند، گاو، اسب
15	یمن	نفت	قهوه، خرما، ارزن، گندم، جو	گوسفند، اسب، شتر
16	کامرون	طلا، نقره، روی، قلع	کائوچو، کاکائو، خرما، موز، پنبه، ذرت، چوب، بادام زمینی	گاو
17	گینه	طلا، نقره، آهن، زغال سنگ	مرکبات، موز، برنج، پنبه، دانه-های نیابتی	گاو، گوسفند، بز
18	نیجر	طلا، آهن، زغال سنگ، الماس	خرما، پنبه، کائوچو، چوب، غلات	شتر
19	مصر	سنگهای ساختمانی، طلا، آهن، آلومینیوم، مس، گوگرد، یاقوت	غلات، پنبه، نیشکر، مرکبات، موز، زیتون، خرما، برنج، انگور	شتر
20	گامبیا	طلا، الماس، نمک، مس	گندم، جو، میوه	گاو، گوسفند
21	سودان	طلا، مس، آهن، نمک	صمغ، ارزن، پنبه، خرما	گوسفند، اسب
22	سنگال	طلا، نقره	میوه، خرما	گاو

		الماس، فسفات، آلومینیوم	کائوچو، پنبه، قهوه، کاکائو، چوب	گوسفند، اسب
23	چاد	طلا، الماس، نفت	قهوه، پنبه، کاکائو، چوب	گاو، گاومیش، گوسفند
24	اوگاندا	طلا، مس، کبالت، آهن، قلع، سرب	قهوه، پنبه، ذرت، بادام کوهی، چوب	گاو، گوسفند، اسب
25	الجزایر	آهن، روی، منگنز، اورانیوم، زغال سنگ، نفت، جیوه، مس	انگور، زیتون، کتان، میوه، غله	گوسفند، گاو
26	تونس	آهن، روی، سرب، فسفات	انگور، زیتون، خرما، پنبه، حنا، چوب، گندم	اسب، گوسفند، طیور، ماهی
27	مالی	طلا، الماس	بادام کوهی، پنبه، صمغ عربی	شتر، گاو، گوسفند

چالش‌های پیش روی کشورهای اسلامی

عدم توافق معنایی و شناختی: یکی از مسائل و مشکلات جهان اسلام، فقدان توافق معنایی و شناختی است. فقدان عناصر وحدت‌دهنده فرهنگی یا انقطاع فرهنگی در جهان اسلام موجب بروز رفتارهای ناهنجار در جهان اسلام خواهد شد. افراد جوامع اسلامی در قالب گروه‌های فرهنگی، اجتماعی متفاوت به تفاسیر متضاد و متفاوتی از زندگی، آینده و تاریخ خود پرداخته و از الگوهای رفتاری متفاوت، تبعیت می‌کنند. در جهان اسلام تلاش‌هایی جهت وحدت و سازگاری فرهنگی انجام گرفته است، ولی این تلاش‌ها بیشتر در سطح باقی مانده است تا در عمق؛ بدین جهت در جهان اسلام با پدیده‌هایی چون عدم مفاهمه، عدم تقارن در دیدها و عدم سازگاری در ذهنیت و سلیقه‌ها مواجه هستیم و هر روز هم این عدم‌ها تشدید می‌شوند.

برای اینکه بتوانیم جهان اسلام (جهان مشترک و حلقه اتصال) داشته باشیم، نیازمند این هستیم که فضای معنایی یکدیگر را بفهمیم و برای خروج از یک فضای معنایی و ورود به یک فضای معنایی مشترک، به رابطی نیازمندیم که این دو فضای معنایی را برای هم‌دیگر قابل



فهم کند. ولی سؤال این است که این رابط در جهان اسلام چه می‌تواند باشد و چه خصیصه‌ای می‌تواند داشته باشد. آیا ما روی مفهوم اسلام، توافق معنایی و شناختی داریم، به دلیل وجود دیدگاه‌های متفاوت در جامعه اسلامی معاصر روی این مفهوم هم توافقی نیست. آیا ما می‌توانیم با وجود چنین دیدگاه‌های متفاوتی به رابطی در فضای معنایی دست یابیم؟ آیا با فرض این مطلب که نگرش‌ها و اعتقادات افراد جامعه، تعیین‌کننده این است که آن جامعه چگونه و در چه مرحله‌ای باشد و افراد جامعه با چه مسائلی زندگی روزمره خود را سپری کنند، آیا ما به گسست‌هایی در عرصه سیاست و اجتماع در جهان اسلام نمی‌رسیم؟ آیا به دلیل نگرش محدود قومی، قبیله‌ای و برتری‌جویی و به دلیل حفظ منافع مادی برخی از حکام در جهان اسلام به اختلاف، تفرقه و گسست در جهان اسلام نمی‌رسیم و آیا برخی از این کشورهای اسلامی با استناد به سنت و سیره رسول‌الله به طرد و تکفیر دیگران نپرداخته‌اند؟¹⁴ گر چه کشورهای اسلامی باید در جهت پایه‌گذاری یک همکاری راهبردی برای حل مسائل مختلف جهان اسلام و تلاش برای اتحاد مسلمانان گام بردارند، ولی این گام‌ها در حد شعار باقی مانده و گامی به سوی ایجاد توافق معنایی و شناختی برداشته نشده است و حتی عده‌ای از افراد به اختلاف دامن زده و آن را به اوج رسانده‌اند.

بنابراین به دلیل فقدان اتفاق نظر عمومی در جهان اسلام و نبود فضای معنایی و اتحاد مشاهده می‌شود که کشورهای اسلامی در متحد شدن، حتی در برابر دشمنان مشترکشان ناتوان بوده‌اند، ولی در عوض با غیرمسلمان علیه هم-کیشان خود همکاری کرده‌اند.¹⁵

با لحاظ این مسئله می‌توان گفت که تا زمانی که کشورهای اسلامی دچار فقدان فضای معنایی مشترک هستند، چیزی به نام جهان اسلام

تحقق پیدا نخواهد کرد
فقدان ارتباط آشکار بین فضای معنایی دو کشور اسلامی:
 اگر فضای معنایی بین دو انسان یا دو کشور به گونه‌ای باشد که پاسخ یکی به متغیرها آری و پاسخ دیگری نه باشد، در این صورت پیوندی در جهان اسلام نیست، اما اگر به گونه‌ای ضریب آری یا نه فرق کند، به تناسب این تفاوت، با جهان اسلام خاصی مواجه خواهیم بود. اگر برداشت و درک مردم یک کشور اسلامی نسبت به مردم کشور اسلامی دیگر، تا حدی ناب-تر، معنوی‌تر و فداکارانه‌تر باشد، مثلاً مردم کشور اسلامی‌ای، جامعه و جهان را به گونه‌ای ببینند که احساس کنند باید با غرب و دنیای استعماری رابطه نابرابر نداشته باشند و اجازه سلطه به غرب را ندهند فضای معنایی خاصی از مفاهیم برای آنها ایجاد می‌گردد که منجر به ستیز و مبارزه با دنیای استعماری می‌شود. ولی در عوض کشور اسلامی دیگری چنین چیزی نبینند، فضای معنایی خاص و به تبع آن رابطه خاصی با دنیای غرب ایجاد می‌کند، بنابراین برای کشور اسلامی الف مفاهیمی چون، ایثار، شهادت، نفی سلطه غرب و دشمن ستیزی و... با اهمیت تلقی می‌گردد، ولی برای کشور اسلامی «ب» در عین اسلامی بودن چنین احساسی یافت نمی‌شود؛ بنابراین ارتباط آشکاری بین فضای معنایی دو کشور اسلامی مهیا نشده در نتیجه منجر به عدم ارتباط خواهد شد. مگر اینکه فضای معنایی عوض شود و نقطه اشتراکی در فضای معنایی ایجاد شود.
غیرقابل سنجش بودن اهداف و آرمان‌های کشورهای اسلامی:
 هر انسانی اهدافی دارد و به تبع آن هر جامعه و کشوری هم برای خودش اهدافی دارد که این اهداف باید قابل سنجش باشد تا مشخص گردد که در اهداف، دسترسی پیدا کرده یا خیر و آیا این اهداف براساس آرمان‌هایش تحقق یافته یا خیر، اما متأسفانه بین اهداف و



آرمان‌های انسان‌های مسلمان در کشورهای اسلامی آن‌چنان فاصله‌ای افتاده و آن‌چنان دگرگونی ایجاد شده است که با یکدیگر غیرقابل سنجش می‌باشند. بنابراین علی‌رغم نشانه‌های وحدت ظاهری که برخی اوقات در میان کشورهای اسلامی ظهور پیدا می‌کند، کشورهای اسلامی قادر نیستند به عنوان یک موجودیت اسلامی واحد عمل کنند.

فقدان شبکه مفاهیم در کشورهای اسلامی: اگر بپذیریم که فقدان شبکه مفاهیم در کشورهای اسلامی منجر به انقطاع و عدم پیوند جهان اسلام خواهد بود، بنابراین سؤال این است که آیا شبکه‌ای به نام شبکه مفاهیم در کشورهای اسلامی وجود دارد و یا اینکه چنین شبکه‌ای موجود نیست؟ اگر آن شبکه وجود دارد چیست؟ آیا شبکه‌ای به نام الله، قرآن، نبی، مستکبر، مستضعف، ایثار، شهادت، پایداری، نهضت اسلامی، منافع و... وجود دارد؟ آیا این شبکه‌ها با رشته‌های محکم به هم متصلند یا خیر؟ اگر شبکه مفاهیم بین کشورهای اسلامی وجود داشت یا شبکه‌هایی وجود داشت اما با هم - خوانی نداشت، پس باید بر این باور باشیم که چیزی به نام جهان اسلام یا دولت بزرگ اسلامی نداریم و جهان اسلام، اسم بی‌مسمايي خواهد بود. بنابراین برای مستند کردن حرف خود، شبکه مفهومی منافع مشترک در کشورهای اسلامی را از باب نمونه بررسی می‌کنیم تا ببینیم که چیزی به عنوان شبکه مفهومی منافع جهان اسلام در بین کشورهای اسلامی وجود دارد یا خیر؟ چون منطق همکاری‌های سیاسی و امنیتی کشورها نه به واسطه هم مذهبی بودنشان، بلکه به واسطه تلاقی منافع ملی و تقارن جغرافیایی و یا استفاده از امکاناتی که کشورها می‌توانند به یکدیگر عرضه کنند، تعریف می‌شود، در نتیجه مشاهده می‌کنیم که منافع ملی کشورهای اتحادیه عرب با 460 میلیون نفر جمعیت در



تعامل با غرب و ناسیونالیسم در نسخه اول «عربی» تعریف شده است و منافع ملی آلبانی، بوسنی، ترکیه در اروپاگرایی معنا پیدا می-کند و منافع ملی کشورهای مالزی، اندونزی و برونئی در آسه آن تعریف شده است و...

برخی از صاحبان نظران معتقدند که ایران با جهان اسلام باید ائتلاف فرهنگی داشته باشد، چون مسلمان هستیم و اشتراکاتی فرهنگی باهم داریم اما ائتلاف امنیتی ما باید با روسها، چینیها و هندیها باشد و ائتلاف اقتصادی ما در گرو رابطه با غرب است. چون تکنولوژی در کشورهای اسلامی مانند، عراق، سوریه، ترکیه، افغانستان و پاکستان نیست.¹⁶ این صاحبان نظران به واقعیتها نگریسته و مشاهده کرده اند که دفاع و امنیت اکثریت قاطع کشورهای اسلامی با سازمانها و دولت‌های غربی است نه با اتحادیه-های درون دنیای اسلام. مثلاً ترکیه عضو ناتو است، مصر با آمریکا همراه است، کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی و قفقاز علاقه شدید به غرب دارند، شمال آفریقا عمدتاً با اروپا همکاری می‌کند، کشورهای مسلمان آسیایی با الگوگیری از ژاپن (یا لا اقل از چین) حرکت می‌کنند و دنیای عرب در منطقه خاورمیانه به آمریکا و اروپا متصل است.¹⁷

در نتیجه علی‌رغم این‌که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با توجه به سیاست کشورمان مبنی بر توسعه مناسبات با کشورهای اسلامی و جهان سوم مهم‌ترین شرکای اقتصادی ایران را ژاپن، کره جنوبی و چین و کشورهای اروپایی در مرحله بعدی تشکیل داده اند. تا جایی که در حال حاضر مناسبات اقتصادی تهران - پکن به حدود 10 میلیارد دلار در سال می‌رسد. هم-چنین نزدیک به صد پروژه در ایران در اختیار شرکت‌های دولتی و خصوصی چینی است نه کشورهای اسلامی؛ چین و ایرانی که نه در ایدئولوژی و نه در استراتژی نسبتی باهم ندارند.¹⁸ در یک جمع‌بندی می‌تون گفت که به نظر می‌رسد

که جهان اسلام با این وضعیت؛ ناتوان در خلق،
 نوسازی و متنوع کردن مفاهیم و شبکه مفاهیم
 و ارتباط فضای معنایی خواهد بود، چرا که
 کشورهای اسلامی در عمل (نه در شعار) مبنای
 جهتگیری خود را اقتصادی آن هم با کشورهای
 توسعه یافته تنظیم کرده اند و ابعاد فرهنگی
 و سیاسی را در دایره های کوچکتر و تحت
 الشعاع مدار اقتصادی قرار داده اند و بیشتر
 کشورهای اسلامی (اگر نگوئیم همه آنها) عینک
 عقیدتی در فهم مسائل جهانی ندارند.
 بنابراین دفاع از کشورهای اسلامی با منافع
 دولت های اسلامی در تضاد قرار می گیرد و نمی-
 توان یک شبکه مفاهیم منافع ملی برای جهان
 اسلام یا کشورهای اسلامی در نظر گرفت که علل
 یا عوامل این فقدان شبکه مفاهیمی منافع ملی
 را در دو عامل می توان ذکر کرد: 1. توجه به
 شرایط درونی کشورهای اسلامی؛ 2. تحولات جهانی؛
 که ظهور یک جهان اسلام واقعی و متحد را ضعیف
 و تا حد امتناع پیش برده است و به دلیل این
 عوامل است که الیویه روآ در کتاب **تجربه اسلام**
سیاسی خود می نویسد که «در جهان اسلام» اصلاً یک
 مرکز واحد وجود ندارد، بلکه شبکه های مختلفی
 هستند که با روابط شخصی و خصوصی با هم
 پیوند خورده اند و نقطه مشترک میان آنها
 «نیت» اسلامی ساختن جامعه است.¹⁹

راهکار و راه حل مشکلات جهان اسلام

قبل از پرداختن به راه حل و اینکه چگونه
 می توان در پرتو استقلال کشورهای اسلامی و در
 عین به رسمیت شناختن واحدهای کشور - ملت به
 یک دولت بزرگ اسلامی با عنوان جهان اسلام دست
 یافت، ضروری است که دو مطلب بیان و تشریح
 گردد: 1. علت ایجاد دولت بزرگ اسلامی؛ 2.
 چگونگی ایجاد دولت بزرگ اسلامی.

1. علت ایجاد دولت بزرگ اسلامی؛ درباره
 چرایی ایجاد دولت بزرگ اسلامی و علت هم-



گرایی در جهان اسلام به نکات زیر می‌توان اشاره کرد:

1-1. جهت حفاظت و دفاع از اصول فرهنگی، دینی و عقیدتی کشورها و ملتهای مسلمان؛

2-1. جهت تحکیم و جای‌گزینی ارزش‌ها و اصول اسلامی؛

3-1. نفی سلطه استعمار و بیگانه و حکومت‌های استعماری؛

4-1. کاهش وابستگی از قدرتهای بیگانه.

امام خمینی اعتقادی به یکی شدن کشورها ندارد، بلکه معتقد است که هر کدام از کشورها با حفظ حدود و ثغورشان باید برای توحید کلمه تلاش کنند²⁰ و همه در زیر پرچم پرافتخار اسلام مجتمع شوند و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل به پیش روند. ایشان علت این اتحاد و وحدت کشورهای اسلامی را این‌گونه بیان می‌کنند:

دست برادری بدهند، حدود و ثغورشان را حفظ کنند (زیرا) دیگر یهود به فلسطین طمع نمی‌کند، دیگر هند به کشمیر طمع نمی‌کند. اگر توحید کلمه باشد چطور می‌توانند اینها، یک مشت یهود دزد، چطور می‌توانند فلسطین شما را از دستتان بگیرند.²¹

ایشان در جای دیگر می‌فرمایند:

آن روزی می‌توانیم ما و شما از تحت سیطره ظلم، ظلم قدرتهای بزرگ بیرون برویم که با یک میلیارد جمعیت و با آن همه ذخایری که ما داریم خودمان را پیدا کنیم و اسلام را پیدا کنیم و توجه به اسلام بکنیم و به فرمان خدا عمل کنیم.²²

در جای دیگر می‌گویند:

هر کدام حدود و ثغورشان محفوظ، لکن آن دشمن خارجی که به شما اینقدر ضرر وارد می‌کند در مقابل او توحید کلمه کنید.²³

چهار مسئله اساسی در جهان اسلام؛ 1. عدم توافق معنایی و شناختی 2. فقدان ارتباط آشکار بین فضای معنایی دو کشور اسلامی 3. غیرقابل سنجش بودن اهداف و آرمان‌های کشورهای اسلامی و 4. فقدان شبکه مفاهیم موجب این شد که تشکیل دولت بزرگ اسلامی با امتناع مواجه شود. فلذا سؤالی که مطرح می‌شود این است که با وجود این مسائل و مشکلات چگونه می‌توان به سوی ایجاد یک دولت بزرگ اسلامی به عنوان جهان اسلام گام برداشت؟

در عصر ما اندیشوران مسلمان، نظریه منسجمی که هم بتواند چارچوبی نظری برای ایجاد دولت بزرگ اسلامی تبیین کند و هم از توان اجرایی برخوردار باشد، ارائه نکرده‌اند. از میان این اندیشوران، امام خمینی به نکاتی اشاره کرده‌اند که در ادامه نوشتار در جهت پاسخ به سؤال فوق از نظرات و آرای ایشان استفاده می‌کنیم. این‌که امام خمینی معتقد به یک دولت بزرگ اسلامی بوده است یا نه؟ می‌توان گفت که امام خمینی به جهان اسلام در گذشته باور داشته و از تجزیه شدن جهان اسلام تأسف می‌خورد چرا که می‌گویند:

وطن اسلام را استعمارگران و حکام مستبد و جاه‌طلب تجزیه کرده‌اند، امت اسلام را از هم جدا کرده و به صورت چندین ملت مجزا در آورده‌اند... ما برای این که وحدت امت اسلام را تأمین کنیم، برای این که دامن اسلام را از تصرف و نفوذ استعمارگران و دولت‌های دست‌نشانده آنها خارج و آزاد کنیم، راهی نداریم جز این که تشکیل حکومت بدهیم.²⁴

بعد از مشخص شدن این مطلب که امام خمینی خواهان یک دولت بزرگ اسلامی در جهان اسلام است، سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا امام خمینی می‌خواهد یک دولت بزرگ اسلامی در جهان اسلام حکمرانی کند و کشورهای اسلامی به صورت ایالات این دولت بزرگ اسلامی باشند یا

خیر؟ در پاسخ می‌توان گفت که امام خمینی دولتهای سرزمینی را به منزلهٔ یک امر اجتناب-ناپذیر در دنیای جدید پذیرفته و معتقدند که کشورهای اسلامی در عین استقلال و در عین به رسمیت شناختن واحدهای کشور - ملت بر اساس مشترکات اسلامی یک دولت بزرگ اسلامی را تشکیل دهند:

همه در زیر پرچم پرافتخار اسلام مجتمع و با دشمنان اسلام و محرومان جهان به دفاع برخیزند و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل به پیش روید که با تحقق آن همه مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشانید.²⁵

به نظر می‌رسد که برخی از صاحب‌نظران حوزهٔ مطالعاتی جهان اسلام، به سبب قیودی که در کلام امام بوده، قیودی چون جمهوری‌های آزاد و مستقل، این‌گونه استفاده کرده‌اند که امام خمینی به هیچ وجه از تشکیل حکومت اسلامی واحد یا بازگرداندن خلافت، طرفداری نکرده است و آنچه آرزو داشت، یکپارچگی روحانی و معنوی مسلمانان بود و نیز گسترش ارزش‌های اسلامی، بی‌آن‌که درصدد تغییر مرزهای موجود بر آید. در نتیجه، این دسته از صاحب‌نظران می‌افزایند که در نوشته‌ها یا گفته‌های امام خمینی نکته‌ای وجود ندارد که حذف دولت‌های ملی موجود در جهان اسلام و به وجود آوردن جامعه اسلامی واحد را تجویز کند. برعکس امام خمینی واقعیت دولت سرزمینی و وابستگی ملتها به سرزمین‌هایشان را قبول داشت.²⁶ به هر حال امام خمینی درصدد تأسیس دولت بزرگ اسلامی بوده است چه با حفظ ثغور فعلی و یا... . بنابراین این سؤال مطرح می‌شود که آیا امام خمینی چگونگی تشکیل دولت بزرگ اسلامی را در عصر غیبت مشخص کرده است؟ آیا بر اساس تئوری ولایت فقیه چنین کاری عملی است یا تئوری خلافت یا... در این باره مرحوم حمید عنایت این‌گونه پاسخ می‌دهد:



دکترین ولایت فقیه حاکی از این عقیده است که حکومت اسلامی بهترین شکل دولت است. بسیاری از متفکران اصولگرای اسلامی در عصر حاضر نیز از این عقیده جانبداری کردند که از میان ایشان رشید رضا (از سوریه) محمدالغزالی (از مصر) و ابوالاعلی مودودی (از پاکستان) به خوبی شناخته شده‌اند.

گرچه برخلاف آنها امام خمینی یک فقیه شیعی است اما در نظریه وی در مورد وظیفه ایجاد حکومت اسلامی هیچ جنبه خاص شیعی و فرقه‌ای وجود ندارد. زیرا نظر ایشان هم مبتنی است بر همان مبانی‌ای که دیگران اتخاذ کرده‌اند، کما این که همانند الغزالی عقیده دارد که اجرای پاره‌ای از مهم‌ترین دستورات و اوامر دینی بدون برپایی یک دولت اسلامی ممکن نیست مانند دفاع از سرزمین و خاک مسلمانان، جمع‌آوری صدقات و مالیات اسلامی و اجرای سیستم جزایی اسلام (حدود و دیات). امام خمینی هم‌زمان این متفکرین معتقد است که حفظ و بقای وحدت مسلمانان چه از طرق بازپسگیری اقتدار مسلمانان از بیگانگان یا بیرون راندن مزدوران و نوکران داخلی ایشان منحصراً موکول است به ایجاد حکومت اسلامی که منافع مسلمانان را به طور جدی و حقیقتاً نصب العین خود قرار دهد. ایشان با عقیده مودودی نیز همراه است که چنین حکومتی فقط از راه انقلاب برپا شدنی است.²⁷

امام خمینی جهت تشکیل دولت بزرگ اسلامی گام‌های زیادی در هر یک از مسائل چهارگانه کشورهای اسلامی از توافق معنایی و شناختی گرفته تا ایجاد شبکه مفاهیم برداشته‌اند. از جمله گام‌های ایشان جهت ایجاد فضای معنایی مشترک و نهایتاً ایجاد شبکه مفاهیم، این سخن ایشان است که می‌گویند:

109 یک دسته از مسلمانان شیعه هستند و یک



دسته‌ای از مسلمانان سنی، یک دسته حنفی و دسته‌ای حنبلی و دسته‌ای اخباری هستند. اصلاً طرح این معنا، از اول درست نبوده، در یک جامعه‌ای که همه می‌خواهند به اسلام خدمت کنند و برای اسلام باشند این مسائل نباید طرح شود، ما همه برادر هستیم و با هم هستیم، منتها علمای شما یک دسته فتوا به یک چیز دادند و شما تقلید از علمای خود کردید و شدید حنفی، یک دسته فتوای شافعی را عمل کردند، و یک دسته دیگر فتوای حضرت صادق را عمل کردند، اینها شدند شیعه، اینها دلیل اختلاف نیست ما نباید با هم اختلاف و یا یک تضاد داشته باشیم ما همه با هم برادریم، برادران شیعه و سنی باید از هر اختلافی احتراز کنند. امروزه اختلاف بین ما، تنها به نفع آنهایی است که نه به مذهب حنفی و... آنها دارند، و نه به این باشد و نه آن، راه را این طور می‌دانند که بین شما و ما اختلاف بیندازند. ما باید توجه به این معنا بکنیم که همه ما اهل قرآن و اهل توحید هستیم و باید برای قرآن و توحید زحمت بکشیم و خدمت بکنیم.²⁸

و در جای دیگر می‌گویند:

... ما اسلام را منحصر به ایران نمی‌دانیم، اسلام همه جا اسلام است، مصر هم همین اسلام است؛ سودان هم همین اسلام است، عراق هم همین اسلام است و حجاز هم همین اسلام است، سوریه و سایر جاها، ما نمی‌توانیم حساب خودمان را از حساب سایر مسلمین جدا کنیم... همه جا اسلام است و همه مسلمین.²⁹

تا اینجا با حفظ مباحثی چون 1. آیا با ایجاد دولت بزرگ اسلامی، کشورهای اسلامی ثغور و مرزهای خود را از دست می‌دهند یا خیر و آیا تئوری خاصی در این باب ارائه شده یا خیر؟ هنوز این سؤال که چگونه دولت بزرگ

اسلامی را با این همه مسائل می‌توان تحقق بخشید و راهکار چه می‌باشد با مباحث مذکور پاسخ گرفته نشد.

درباره ایجاد دولت بزرگ اسلامی یا جهان اسلام یا ائتلاف کشورهای اسلامی؛ برخی براساس اینکه کشورهای اسلامی با مسائل عدیده‌ای درگیر می‌باشند و این‌که اگر چه دارای منابع و معادن غنی‌ای است، ولی چون مولد نیست و این‌که مثلاً دنیای عرب به رغم تمامی تشابهاتی که در درون آن وجود دارد در بدیهی‌ترین و ساده‌ترین مسائل نتوانسته است هماهنگی بادوام ایجاد نماید و... فلذا حکم صادر می‌کنند که زمینه ائتلاف با دنیای اسلام و دول اسلامی دربارهٔ دفاع از مسلمانان وجود ندارد و به زودی هم نخواهد داشت. چرا که روز به روز نیازهای روز افزون جهان اسلام به دیگران فراتر از توان‌مندی‌هایشان می‌شود و جهان اسلام، با چالش‌های جدی روبه‌رو خواهد شد. البته این عده، از این مطلب هم غافل نبوده و تذکر داده‌اند که اگر چه تا 50 سال دیگر روال برای جهان اسلام بر همین منوال خواهد بود، ولی ممکن است دو قرن دیگر شرایط بین‌المللی به شدت تغییر کند و زمینه ظهور و تشکیل بادوام تشکل اسلامی میسر شود.³⁰

و برخی هم نسخه دیگری برای ایجاد دولت بزرگ اسلامی ارائه کرده‌اند که از جمله آنها حضرت امام خمینی است. ایشان چون مشکلات جهان اسلام را در دور افتادن از اسلام واقعی، عدم توجه به تعالیم قرآن، رخنه فرهنگ استعماری، زیر نفوذ بودن کشورهای اسلامی و سران کشورهای اسلامی،³¹ و دور افتادن از اسلام و حقایق آن و عمل کردن به اسلام³² عدم تفاهم بین‌المللی میان کشورهای اسلامی،³³ سرسپردگی حکومت‌های مسلمین و دخالت قدرتهای بزرگ³⁴ و... ذکر می‌کنند، فلذا راهکار ایجاد دولت بزرگ اسلامی را در قالب یک قضیه شرطیه طرح می‌کنند که اگر دولت‌ها و ملت‌های اسلامی



بتوانند بر مسائل و موانع و مشکلات موجود بر سر راه جهان اسلام فایق آیند، آنگاه می-توانند قدرتی بزرگ در جهان به نام جهان اسلام ایجاد کنند، و این جهان ایجاد نمی‌شود مگر از راه وحدت.

وحدت و همکاری با چه کسانی و برای چی؟ وحدت و برادری با گروه‌ها و فرقه‌های مختلف مسلمانان جهان و همکاری با دولت‌های اسلامی برای مبارزه با حکومت‌های استکباری دنیا و اسرائیل صهیونیست.³⁵ امام آرزوی چنین اتحادی را داشته و کراراً اظهار امیدواری می‌کنند که این اتحاد شکل بگیرد:

من امیدوارم که همه ملت‌های اسلامی که به واسطه تبلیغات سوء اجانب متفرق شده-اند و در مقابل هم قرار گرفته‌اند بیدار شوند و با هم متحد شوند و یک دولت بزرگ اسلامی و زیر پرچم لا اله الا الله تشکیل بدهند و این دولت بر همه دنیا غلبه کند.³⁶

یا می‌افزاید که اسلام می‌خواهد که همه دنیا یک عائله باشند و یک حکومت در همه دنیا و آن حکومت عدل باشد³⁷ به طور خلاصه می‌توان گفت که راه حل‌ها و راهکارهای ایجاد دولت بزرگ اسلامی از نگاه امام خمینی عبارتند از:

1. بیداری و عدم تفرقه: امام در این باره می-فرماید:

اگر این دولت‌های اسلامی، این دولت‌هایی که همه چیز دارند، این دولت‌هایی که ذخایر زیاد دارند، اگر اینها با هم اتحاد پیدا بکنند، در سایه اتحاد، احتیاج به هیچ چیز و هیچ کشوری و هیچ قدرتی ندارند. احتیاج وقتی پیدا می‌شود که مثل حالا متفرق باشند، کشورها از هم جدا باشند. چرا باید کشورها که یک هم‌چو پشته‌ای عظیم دارند و آن قرآن کریم و اسلام عزیز و خدای بزرگ است، چرا باید یک هم‌چو پشته‌ای که آنها را دائم دعوت می‌کند به وحدت و از

تفرقه اندازی و تفرقه آنها را منع می-کند چرا ما باید در مقابل اسلام عزیز تفرقه بیندازیم.³⁸

2. عمل کردن به اسلام: علت این که دنیای اسلام بالاترین سلاح ها، یعنی اسلام، سلاح های مادی (معادن و دریا های وسیع و غنی) را دارد و در عین حال فقیر هستند را امام خمینی در این می داند که ما به اسلام عمل نمی کنیم، جهان اسلام به اسلام عمل نمی کند.³⁹ پس راه چاره نجات جهان اسلام، عمل کردن به اسلام است.

3. عدم سرسپردگی حکومت های مسلمین: باید سران حکومت های اسلامی از سرسپردگی خارج شوند. امام خمینی معتقد است که مشکل مسلمین، تنها قدس، افغانستان، پاکستان، ترکیه و... نیست؛ مشکل مسلمین حکومت های مسلمین است. این حکومت ها هستند که مسلمین را به این روز رسانده اند؛ حکومت هایی که انفعالی برخورد کرده اند. مشکل، دولت ها هستند شما سرتاسر ممالک اسلامی را وقتی که ملاحظه کنید کمتر جایی را می توانید پیدا کنید که مشکلاتشان به واسطه حکومت های شان ایجاد نشده باشد. این حکومت ها هستند که به واسطه روابطشان با ابرقدرت ها و سرسپردگی شان با ابرقدرت های چپ و راست، مشکلات را برای ما و همه مسلمین ایجاد کرده اند.⁴⁰ نتیجه این که یکی از عوامل و پارامتر های ایجاد دولت بزرگ اسلامی زیر نفوذ نبودن کشورهای اسلامی و سران کشورهای اسلامی و عدم سرسپردگی حکومت های مسلمین می-باشد.

4. رهایی از ضعف مدیریتی از طریق فهم احکام اسلامی: کشورهای اسلامی به واسطه ضعف مدیریتی و وابستگی به وضعیتی اسفبار گرفتار آمده اند و تا زمانی که راز عظمت احکام اسلامی را نفهمند همین بدبختی خواهد بود. امام خمینی می گوید:

113 بزرگترین درد جوامع اسلامی این است که هنوز فلسفه واقعی بسیاری از احکام

الهی را درک نکرده اند و حج با آن همه راز و عظمتی که دارد هنوز به صورت یک عبادت خشک و یک حرکت بی‌حاصل و بی‌ثمر باقی مانده است.⁴¹

5. دور نیفتادن از اسلام و تعالیم قرآن: امام خمینی علت بدبختی جهان اسلام را در این می‌داند که اینها (کشورهای اسلامی) خودشان را پیرو اسلام می‌دانند، لکن آنی که اسلام هست اصلاً خبری از آن نیست؛ اسلامی که در قرآنش با صراحت می‌گوید که نباید سلطه‌جویان عالم، کفار عالم بر مسلمین مسلط بشوند و سلطه پیدا بکنند⁴² ما تا به اسلام برنگردیم، اسلام رسول-الله برنگردیم، مشکلاتمان بر جای خودش هست نه می‌توانیم قضیه فلسطین را حل کنیم و نه افغانستان و نه سایر جاها را، ملتها باید برگردند به صدر اسلام. اگر حکومتها هم با ملتها برگشتند که اشکالی نیست و اگر برگشتند ملتها باید حساب خودشان را از حکومتها جدا کنند.⁴³

اگر این موارد رعایت شوند، آن وقت جهانی به نام جهان اسلام خواهیم داشت و این، یعنی همان دگردیسی عظیمی که گفتیم باید در باورهای کشورهای اسلامی صورت بگیرد تا به دولت بزرگ اسلامی دسترسی داشته باشند.



پی‌نوشت‌ها

1. عزت‌الله عزتی، *جغرافیای سیاسی جهان اسلام* (قم: واحد تدوین کتب درسی، 1378) ص 38-39.
2. آلبانی پانصد سال در چارچوب امپراتوری عثمانی بسر برد و امروزه بکتاشی‌ها در آلبانی اکثریت مسلمانان را تشکیل می‌دهند. ر.ک: *اندیشه تقریب* (سال دوم، شماره پنجم، زمستان 1384) آلبانی، اثر ع.ر. امیردهی، ص 142.

3. ع.ر. امیردهی، آلبانی، *مجله اندیشه تقریب* (سال دوم، شماره پنجم، زمستان 1384) ص 142.
4. غلامرضا گلی‌زواره، *سرزمین اسلام* (قم: دفتر تبلیغات اسلامی، 1372) ص 518.
5. کشورهای اسلامی قاره آسیا با ذکر وسعت و کلیومتر مربع و درصد مسلمانی در مأخذ ذیل آمده است، *اطلس معاصر گیتاشناسی*، (سیاسی، طبیعی، اقتصادی) سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، 1370.
6. عبدالمجید ناصری داوودی، اسلام در اندونزی، *مجله اندیشه تقریب* (سال اول، شماره دوم، بهار 1384).
7. هر یک از کشورهای چین با 9/560/779 کیلومتر مربع و ایالات متحده با 9/363/123 کیلومتر مربع و کانادا با 9/976/139 کیلومتر مربع تقریباً برابرند با کل مساحت کشورهای اسلامی در قاره آسیا به جز کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی و شوروی سابق با 22/402/200 کیلومتر مربع.
8. کشورهای اسلامی تازه استقلال یافته آسیای مرکزی عبارتند از: 1. قزاقستان با 2/755/985 کیلومتر مربع 2. ترکمنستان با 488/000 کیلومتر مربع 3. ازبکستان با 399/000 کیلومتر مربع 4. قرقیزستان با 198/502 کیلومتر مربع 5. تاجیکستان با 139/909 کیلومتر مربع 6. آذربایجان با 86/599 کیلومتر مربع کل مساحت 6 کشور آسیای مرکزی 4/067/995 کیلومتر مربع می‌باشد.
9. همان.
10. بشار القوتلی، *رویارویی با تهدیدات معاصر در اندیشه امام خمینی*، ج 2، ص 43.
11. همان.
12. همان، ص 41-42، سخنرانی امام خمینی در 1360/10/7.
13. ر.ک: به مباحث کشورها و سازمان‌های بین‌المللی (47)، *جمهوری گینه* (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، 1347) ص 77.
14. آیا در برخی از کشورهای اسلامی به ارزش‌های اسلامی ایران و امام خمینی تعرض نشد و نمی‌شود.
15. شیرین هانتر، *آینده اسلام و غرب*، همایون مجد (تهران: فرزانه، 1380) ص 187.
16. محمود سریع القلم، *پارادایم ائتلاف در سیاست*



- خارجی جمهوری اسلامی ایران** (تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، 1379) ص 109-120.
17. سریع القلم، **پیشین**، ص 114.
18. **روزنامه شرق**، پنجشنبه 25 خرداد 1385.
19. آلیویه روآ، **تجربه اسلام سیاسی**، حسین مطیعی، محسن مدیرشانه‌چی (تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، 1378) ص 23.
20. روح الله خمینی، **صحیفه امام**، ج 2، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ص 33.
21. **همان**.
22. **همان**، ج 2، ص 167.
23. **همان**، ج 2، ص 33.
24. **پیشین**، ص 102.
25. سید محمدجواد هاشمی، **امام خمینی و همگرایی جهان اسلام** (زا هدان: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت در سیستان و بلوچستان، 1382) ص 109؛ همچنین ر.ک: کتاب **آخرین پیام امام خمینی**، سازمان حج و اوقاف، ص 64.
26. شیرین هانتر، **آینده اسلام غرب**، همایون مجد، ص 213.
27. **امام خمینی و همگرایی جهان اسلام**، ص 96، و همچنین ر.ک: به مفهوم نظریه ولایت فقیه از دیدگاه امام خمینی، حمید عنایت، ترجمه سعید محبی، **ماهنامه کیان** (بهمن 1375، شماره 34).
28. روح الله خمینی، **صحیفه نور**، ج 12، ص 259.
29. روح الله خمینی، **صحیفه نور**، ج 15، ص 369.
30. سریع القلم، **پیشین**، ص 110 و 125.
31. **جهان اسلام از دیدگاه امام خمینی**، ص 46.
32. **همان**، ص 55 و 62.
33. **همان**، ص 53 و 51.
34. **همان**، ص 63.
35. علی داستانی، **بازسازی تفکر اسلامی** (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1380) ص 57.
36. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر پانزدهم، ص 148.
37. **همان**، ص 72.
38. **همان**، ص 41-42، سخنرانی 60/10/7.
39. **همان**، ص 6، سخنرانی 59/7/28.

-
- 40 . همان، ص 55، سخنرانی 59/5/18.
41 . همان، ص 67، سخنرانی 67/4/29.
42 . همان، ص 62، سخنرانی 67/4/20.
43 . همان، ص 21 و 20 و سخنرانی امام در مورخه
59/5/18.